

بیداری اسلامی و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

محمد رضا جواهری^۱

چکیده

بیداری اسلامی بازگشت به اسلام و قرآن و سنت پیامبر و اهل بیت علیهم السلام است. باید بیداری اسلامی را درست تعریف نمود و عوامل توانمندی جریان بیداری اسلامی را یافت و عملیاتی کرد. بی تردید قرآن و سنت معصومین علیهم السلام، و تاریخ اسلام در ایران، و نهضت و اندیشه سیاسی امام خمینی و شاگردان و یاران ایشان سازنده روح و محتوای قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است. این عهدنامه بزرگ امام و مردم ایران، منبع نیرومند الهام بخش «بیداری اسلامی» است. مقدمه و فصول و اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، میثاق ملی ایرانیان و حاصل اجتهاد ولایت فقیه و مراجع تقلید و مجتهدان و فقیهان و حقوقدانان است و درون آن رسالت و وظایف نظام اسلامی، دیپلماسی و رفتار سیاسی انقلاب اسلامی و سیاست خارجی و اهداف جمهوری اسلامی ایران و راهکارهای صدور انقلاب و تکالیف ارتش و سپاه و دولت و ملت به صراحت آمده است. بنابراین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران الزامات قانونی دولت و ملت در راه بیداری اسلامی و سیاست خارجی براساس حکمت و عزت و مصلحت و اقتدار مسلمانان جهان را تبیین کرده است.

واژگان کلیدی: بیداری اسلامی. قانون اساسی، انقلاب اسلامی، قرآن، حدیث.

۱. استادیار گروه آموزشی معارف اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران.

مقدمه

در مقدمه و فصول و اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مطالب و قوانینی وجود دارد که راهگشای بیداری اسلامی است امتیازات و شاخصه‌هایی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است که الزاماتی برای ملت و دولت ایران ایجاد کرده است و در بر دارنده الزاماتی برای امت اسلامی است. بزرگترین امتیاز این قانون "اسلامی" بودن آن است و براساس آن راه ترویج اسلام و صدور انقلاب اسلامی به سراسر جهان را می‌گشاید. این قانون منهای مختصات زمانی و مکانی ایران اسلامی، می‌تواند راهنما و الگو برای کشورهای اسلامی باشد. اندیشه سیاسی امام خمینی با حضور شاگردان ایشان در مجلس بررسی قانون اساسی به شکل مواد و اصول قانونی درآمد و به تصویب ملت ایران رسید. با پیشرفت و رشد بیداری اسلامی در هر کشور اسلامی و تغییر نظام و حکومت، قانون اساسی کشور عوض می‌شود قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برای آن‌ها نسخه تجربه شده قابل الگو برداری و راهگشاست. این قانون از توانایی و ظرفیت بالایی جهت نظریه پردازی در ارتباط با بیداری اسلامی برخوردار است و می‌تواند در جایگاه منشوری جهانی برای بیداری اسلامی قرار گیرد و در ابعاد علمی و عملی و در پایداری و توسعه بیداری اسلامی در کشورهای اسلامی و حتی اروپا و آمریکا تأثیر بگذارد. بیداری اسلامی و انقلاب اسلامی ایران مسیر تاریخ را عوض کرد. به این واقعیت جامعه شناسان غربی اعتراف کرده اند. آنتونی گیدنز جامعه‌شناس مشهور انگلیسی نوشته است: در گذشته سه غول فکری جامعه‌شناسی یعنی مارکس، دورکیم و ماکس وبر با کم و بیش اختلافاتی، فرآیند عمومی جهان را به سمت سکولاریزاسیون و به حاشیه رفتن دین می‌دیدند ولی از آغاز دهه هشتاد و با انقلاب اسلامی ایران، شاهد تحقق عکس این قضیه هستیم یعنی فرآیند عمومی جهان، روند معکوسی را آغاز و به سمت دینی شدن پیش می‌رود (آنتونی گیدنز، ۱۳۷۴: ۵۷).

رسالت قانون اساسی گسترش بیداری اسلامی

در مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در عنوان شیوه حکومت در اسلام چنین آمده است: ملت ما در جریان تکامل انقلابی خود از غبارها و زنگارهای طاغوتی زدوده شد و از آمیزه‌های فکری بیگانه خود را پاک نمود و به مواضع فکری و جهان‌بینی اصیل اسلامی بازگشت اکنون بر آن است که با موازین اسلامی جامعه نمونه (اسوه) خود را بنا کند بر چنین پایه‌ای،

رسالت قانون اساسی این است که زمینه‌های اعتقادی نهضت را عینیت بخشد و شرایطی را به وجود آورد که در آن انسان با ارزش‌های والا و جهان‌شمول اسلامی پرورش یابد. قانون اساسی با توجه به محتوای اسلامی انقلاب ایران که حرکتی برای پیروزی تمامی مستضعفین بر مستکبرین بود زمینه تداوم این انقلاب را در داخل و خارج کشور فراهم می‌کند به ویژه در گسترش روابط بین‌المللی با دیگر جنبش‌های اسلامی و مردمی می‌کوشد تا راه تشکیل امت واحد جهانی را هموار کند و استمرار مبارزه در نجات ملل محروم و تحت ستم در تمامی جهان قوام یابد. انقلاب اسلامی ایران، پیشگام در بیداری اسلامی و قانونی‌شدن و رسمیت یافتن اصول تفکر بیداری اسلامی در تاریخ سیاسی معاصر است و به حکم وظیفه‌ای که همین بخش از مقدمه برای رسالت قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تعیین نموده باید شرایط و الزامات بقا و تداوم انقلاب ایران در خارج از کشور فراهم گردد.

توصیف و تحلیل «اصول» تفکر بیداری اسلامی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

گرچه در ترکیب «اصول تفکر بیداری اسلامی» واژه اصول وجود دارد اما با واژه اصول در فصول و اصول قانون متفاوت است، و در این پژوهش اصول اندیشه بیداری اسلامی براساس اصول قانونی در قانون اساسی تبیین و تحلیل می‌گردد. «اصل» مفهوم و معنایی است که تمام یا بخشی از ساختمان یک تئوری، دکترین یا ایدئولوژی بر آن استوار است به گونه‌ای که اگر آن اصل نقض شود و از بین برود نظریه یا ایدئولوژی فرو می‌ریزد و هویت و وجودش متزلزل می‌گردد (ایزدی، ۱۳۲: ۱۳۷۷). محمدجواد لاریجانی درباره اصل می‌نویسد: وقتی می‌گوئیم حکم الف یک اصل است، مقصودمان از دو حالت خارج نیست، الف یک اصل نظری است یا الف یک اصل عملی است. اگر الف یک اصل نظری باشد باید در فهم پدیده‌ها به کار آید به عبارت دقیق‌تر، بتوانیم به کمک آن، مدل مناسبی برای پدیده‌های عینی بسازیم. حالت دوم این است که الف یک اصل عملی باشد در آن صورت باید بتوانیم به کمک الف وظایف سیاسی خود را در وضعیت‌های خاص تشخیص بدهیم و کشف کنیم (لاریجانی، ۱۳۶۹: ۲۵). در اینجا اصول تفکر بیداری اسلامی از منبع قانون اساسی استخراج و توصیف و تحلیل می‌گردد و برخی مبانی دینی آن طرح می‌شود.

۱. بازگشت به اسلام و ایمان به جامعیت و کمال دین اسلام

زیربنای قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران «دین اسلام» می‌باشد و منشأ مشروعیت و مقبولیت در آغاز مقدمه قانون اساسی ایران آمده است: قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر نهادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه ایران براساس اصول و ضوابط اسلامی است که انعکاس خواست قلبی امت اسلامی است. همین مقدمه، ویژگی بنیادین انقلاب ایران نسبت به دیگر نهضت‌های ایران در صد سال اخیر را مکتبی و اسلامی بودن انقلاب می‌شناسد و در شیوه حکومت در اسلام، مدار قانون‌گذاری را قرآن و سنت و ضامن عدم انحراف سازمان‌ها و نهادهای کشور از اسلام را رهبری فقیه عادل می‌داند و از اقتصاد اسلامی و جامعه اسلامی و فرهنگ اسلامی و حکومت اسلامی و رسالت مکتبی جهاد در راه خدا و مبارزه در راه گسترش حاکمیت قانون خدا در جهان سخن می‌گوید و همین سرفصل‌ها را قانونی می‌سازد. اسلام‌گرایی و تصریح و تأکید بر اصالت قانون خدا در سراسر فصول و اصول قانون اساسی ایران جریان دارد. اصل دوم جمهوری اسلامی ایران را نظامی بر پایه ایمان به خدا و اختصاص حاکمیت و تشریح به خدا و لزوم تسلیم در برابر خدا و پذیرش وحی الهی و نقش بنیادین آن در بیان قوانین و اعتقاد به معاد و عدل الهی و امامت، استوار می‌داند. در اصل سوم وظایف دولت را رشد فضایل اخلاقی براساس ایمان و تقوی و انجام عموم کارها براساس معیارهای اسلام و ضوابط اسلامی تعیین می‌کند. در سوگندنامه نمایندگان (اصل ۶۷) و رئیس جمهور (اصل ۱۲۱) پاسداری از اسلام و مکتب و مذهب گنجانده شده است. در اصل نودویک به منظور پاسداری از احکام اسلامی و عدم مغایرت مصوبات مجلس با اسلام، شورای نگهبان با حضور فقیهان پیش‌بینی شده است و براساس اصل نودوسوم نیز مجلس شورای اسلامی بدون شورای نگهبان اعتبار قانونی ندارد و به حکم اصل نودوششم تشخیص عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با احکام اسلام با اکثریت فقهای شورای نگهبان است. اصل شانزدهم یادآوری می‌کند زبان عربی زبان قرآن و علوم و معارف اسلامی است و در آمیختگی خاصی با ادبیات فارسی دارد. در این اصل تدریس زبان عربی در همه کلاسها و رشته‌ها از ابتدایی تا پایان دوره متوسطه الزامی گردیده است. اصل هفدهم مبدأ تاریخ رسمی کشور را هجرت پیامبر اسلام حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم قرار داده و تاریخ هجری شمسی و هجری قمری هر دو را معتبر شمرده است. براساس اصل هجدهم در پرچم رسمی جمهوری اسلامی ایران شعار الله‌اکبر جای داده شده است. در اصل

دوازدهم دین رسمی ایران اسلام تعیین شده و تأکید کرده است که این اصل الی الابد غیر قابل تغییر است. در فصل چهاردهم در آیین بازنگری نیز محتوای اصول مربوط به اسلامی بودن نظام و ابتدای کلیه قوانین و مقررات براساس موازین اسلامی و پایه‌های ایمانی، تغییرناپذیر تلقی گردیده است. بارها در اصول قانون اساسی بر موازین اسلامی و مبانی اسلامی و قوانین اسلام و احکام اسلامی تأکید گردیده است. حقوق زن با رعایت موازین اسلامی (اصل ۲۱) و اقتصاد بر اساس قوانین اسلامی (اصل ۴۴) و آموزش نظامی براساس موازین اسلامی (اصل ۱۵۱) و حدود و مقررات جزائی اسلام (اصل ۱۵۶) و صفات و شرایط قاضی طبق موازین فقهی (اصل ۱۶۳) می‌باشد و انطباق مصوبات مجلس با موازین اسلامی (اصل ۹۴) و قسط اسلامی (اصل ۱۰۴) و عدم مخالفت تصمیمات شوراها با موازین اسلام (اصل ۱۰۵) و تأسیس دیوان عدالت اداری برای ابطال مصوبات و آیین‌نامه‌های مخالف قوانین و مقررات اسلامی (اصل ۱۷۰) و ضمانت قاضی بر اساس موازین اسلامی (اصل ۱۷۱) و ضرورت عدم اخلال در مبانی اسلامی در مطبوعات و نشریات (اصل ۲۴) و عدم نقض موازین اسلامی از سوی احزاب و جمعیت‌ها و انجمن‌های سیاسی و صنفی و اقلیت‌های دینی (اصل ۲۶) تشکیل اجتماعات به شرط عدم اخلال در مبانی اسلامی (اصل ۲۷) در قانون اساسی جمهوری اسلامی پیش‌بینی شده و در نظام حقوقی ایران قرار گرفته و اعتبار قانونی رسمی پیدا کرده است.

۲. قرآن کتاب راهنمای بیداری اسلامی

مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با آیه ۲۵ سوره حدید و یاد از فلسفه بعثت و ارزش قیام مردم برای برقراری قسط آغاز می‌گردد و متن نه آیه قرآنی به طور کامل درون مقدمه قانون اساسی نوشته شده و در فصول و اصول قانون اساسی نیز شش آیه دیگر جای گرفته است و در مجموع متن ۱۵ آیه قرآنی در قانون اساسی ایران وجود دارد. زیربنا و منبع اصل و نهائی قانون اساسی ایران کتاب خدا قرآن است و همه فصول و اصول بر پایه مستحکم قرآن استوار گردیده است و مقدمه و ۱۷۷ اصل قانون اساسی با الهام گرفتن از قرآن تنظیم و تدوین شده است. در مقدمه قانون اساسی ایران، قرآن و سنت، مدار قانون‌گذاری شناخته شده و در برخی مباحث و مسائل نیز به آیات قرآنی استناد گردیده و ضرورت حکومت قرآن یادآوری می‌شود. در اصول قانون اساسی ایران اجتهاد مستمر فقیهان براساس کتاب خدا قرآن (اصل ۲) و

آموزش زبان قرآن (اصل ۱۶) پذیرفته شده و اعتبار قانونی پیدا کرده است و در متن سوگندنامه نمایندگان (اصل ۶۷) و رئیس جمهور (اصل ۱۲۱) در پیشگاه و برابر قرآن وجود دارد. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم فرموداند: قرآن بی نیازی ای است که هیچ فقر و نیازی پس از آن نیست و هیچ بی نیازی غیر از قرآن نمی باشد. (متقی هندی، ۱۴۱۹: ۲۶۰) قرآن نسخه بی نظیر برای همه بیماری های بشر است. امام علی علیه السلام نیز فرموده اند: در قرآن درمان بزرگ ترین دردها است: درد کفر و نفاق و تباهی و گمراهی! قرآن چراغ روشنایی بخش و راهنمای همه خانه های جهان است. (نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶) شاخصه اصلی بیداری اسلامی رویکرد همه جانبه به قرآن و آوردن قرآن به متن حیات سیاسی و اجتماعی مسلمانان است. منبع نخستین بیداری اسلامی و مرجع بی نظیر برای تنظیم و تدوین قانون اساسی در کشورهای اسلامی قرآن کریم است. پای بندی و تعهد به این اصل ضامن روشنایی بیداری اسلامی و کارآیی و پایداری تفکر دینی است.

۳. مردم سالاری دینی و تشکیل حکومت و نظام اسلامی با رأی مردم

در وظایف نظام جمهوری اسلامی (اصل ۲) و دولت جمهوری اسلامی (اصل ۳) به مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش سفارش شده است. اداره امور کشور باید با اتکاء به آراء عمومی از راه انتخابات باشد (اصل ۶) و مجلس شورای اسلامی و شورای استان، شهرستان، شهر، محل، بخش و روستا تشکیل شود (اصل ۷) و حقوق ملت استمرار یابد (اصول فصل سوم). خداوند انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است. هیچ کس نمی تواند این حق الهی را از انسان سلب کند (اصل ۵۶). در آئین بازنگری نیز جمهوری بودن حکومت و ولایت امر و امامت امت و نیز اداره کشور با اتکاء به آراء عمومی تغییرناپذیر است (اصل ۱۷۷). برقراری پیوند بین مردم سالاری و رأی مردم و انتخابات با تأسیس و ایجاد حکومت اسلامی از اصول تفکر بیداری اسلامی است و در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ثبت و تصویب شده است. از الزامات حکومت اسلامی نظارت مردم بر حکومت است و این حقیقت براساس مقدمه و متن قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تکلیف الزامی است در مقدمه قانون اساسی آمده است: لازم است که امت مسلمان با انتخاب مسئولین کاردان و مؤمن و نظارت مستمر بر کار آنان به طور فعالانه در ساختن جامعه اسلامی

مشارکت جویند به امید این که در بنای جامعه نمونه اسلامی (اسوه) که بتواند الگو و شهیدی بر همگی مردم جهان باشد موفق گردد. در اصول کلی فصل اول در اصل هشتم امر به معروف و نهی از منکر وظیفه همگانی و متقابل مردم نسبت به یکدیگر و دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت شناخته شده است. نمایندگان ملت در مجلس شورای اسلامی حق تحقیق و تفحص در تمام امور کشور را دارند (اصل ۷۶) و در مقام ایفای وظایف نمایندگی در اظهارنظر و رأی خود کاملاً آزادند و تعقیب و توقیف آنان به سبب نظراتی که در مجلس اظهار کرده یا در مقام ایفای وظایف نمایندگی رأی داده‌اند ممنوع است (اصل ۸۶).

۴. وحدت مسلمانان و تشکیل امت واحده اسلامی

ملی‌گرایی و ایران‌پرستی و نژادپرستی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران جایگاهی ندارد و روح کلی قانون اساسی آن را طرد و نفی کرده است. در مقدمه قانون اساسی ایران پنج مرتبه «امت اسلامی» تکرار شده است و چهار بار «مردم مسلمان» آمده است. وحدت اسلامی از اصول تفکر اسلامی و از راهبردهای تشکیل امت اسلامی است. در مقدمه قانون اساسی ایران تبیین رسالت قانون اساسی نوشته است: قانون اساسی با توجه به محتوای اسلامی انقلاب ایران که حرکتی برای پیروزی تمامی مستضعفین بر مستکبرین بود زمینه تداوم این انقلاب را در داخل و خارج کشور فراهم می‌کند به ویژه در گسترش روابط بین‌المللی با دیگر جنبش‌های اسلامی و مردمی می‌کوشد تا راه تشکیل امت واحد جهانی را هموار کند. اصل یازدهم می‌نویسد: به حکم آیه کریمه همه مسلمانان یک امت‌اند. (انبیاء / ۹۲) و دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است سیاست کلی خود را بر پایه ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی قرار دهد و کوشش پی‌گیر به عمل آورد تا وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام را تحقق بخشد. در این اصل حرکت در راه وحدت همه‌جانبه مسلمانان و کوشش در جهت اتحاد کامل ملل اسلامی وظیفه دولت و همه مسلمانان شمرده شده است. وحدت اسلامی فرمان الهی است. قرآن کریم همه مسلمانان را یک امت می‌شمارد و خدای متعال می‌فرماید: این امت شماست که امتی یگانه است و من پروردگار شما هستم پس مرا پرستید. (انبیاء / ۹۲). متن این آیه دو بار در قانون اساسی نوشته شده است در مقدمه و در اصل یازدهم به این آیه برای ضرورت وحدت اسلامی و تشکیل و تقویت امت اسلامی استناد شده است. امام خمینی در سال ۱۳۴۸ در نجف در مباحث ولایت فقیه،

وحدت اسلامی را یکی از دلایل لزوم انقلاب و تشکیل حکومت اسلامی در کشورهای اسلامی شمرده‌اند و ضرورت و اهمیت آن را یادآوری کرده‌اند (ولایت فقیه، ۱۳۸۱، ص ۳۶) پیامبر خدا فرموده‌اند: ای مردم! بر شما باد به جماعت و یکپارچگی و بپرهیزید از تفرقه و پراکندگی. (متقی هندی، ج ۱:۱۱۶). عایشه نقل کرده رسول خدا فرمود: هیچ کس از اهل قبله را با گناهی تکفیر نکنید گرچه گناهان کبیره انجام دهند! (همان، ج ۱، ص ۱۲۰). از موانع توسعه بیداری اسلامی و آسیب‌ها و خطرات بزرگی که بیداری اسلامی را تهدید می‌کند و عامل ضعف و سستی و ناکارآمدی می‌گردد اختلاف، تفرقه و جدایی بین مسلمانان و تکفیر و تفسیق و ترور و کشتار داخلی است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران سعی و تلاش در راه ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی و تحقق وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام را به همگان یادآوری نموده است و به عنوان نخستین قانون اساسی بیداری اسلامی در جهان اسلام در راستای تحقق قانونی وحدت اسلامی و امت واحده گام برمی‌دارد. برقراری نظم جهانی اسلامی و جهانی‌سازی اسلامی در گرو تلاش در راه وحدت اسلامی و تشکیل امت واحده است.

۵. کرامت ابناء بشر و سعادت انسان در کل جهان

قانون اساسی آزادی و کرامت ابناء بشر و رشد و تکامل انسان را سرلوحه اهداف خویش می‌داند و در مقدمه می‌نویسد: پیروی از اصول چنین قانونی که آزادی و کرامت ابناء بشر را سرلوحه اهداف خود دانسته و راه رشد و تکامل انسان را می‌گشاید بر عهده همگان است. در اصل چهاردهم می‌گوید: دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان موظفند نسبت به افراد غیرمسلمان با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی عمل نمایند و حقوق انسانی آنان را رعایت کنند. در فصل دهم اصول سیاست خارجی در اصل یکصد و پنجاه و چهارم چنین آمده است: جمهوری اسلامی ایران "سعادت انسان" در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند. یکی از اوصاف آخرین پیامبر خدا حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بر اساس آیات قرآنی حرص ایشان بر هدایت و سعادت و ایمان مردم است. در سه آیه پیامبر اسلام حریص شناخته شده است. حرص رغبت زیاد (ابن فارس، ۱۳۸۷، ص ۲۱۹) و قدرت در میل و اراده (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴، ص ۱۱۳) می‌باشد. در سوره یوسف پیامبر خدا را حریص بر ایمان آوردن مردم می‌داند (یوسف، آیه ۱۰۳). در جای دیگر می‌گوید: به یقین رسولی از خود شما به سویتان آمد که رنج‌های شما بر او سخت

است و اصرار بر هدایت شما دارد و نسبت به مومنان رئوف و مهربان است. (توبه، آیه ۱۲۸). زمانی که علی بن ابی طالب علیه السلام از سوی پیامبر خدا مأموریت یافت برای آموزش و رشد و تکامل مردم به یمن برود. رسول خدا به ایشان فرمودند: ای علی! با هیچ کس پیش از این که او را به سوی خدا دعوت کنی جنگ و قتال مکن، به خدا سوگند اگر خداوند مردی را به دستان تو هدایت کند برایت بهتر است از آنچه که خورشید بر آن طلوع و غروب کرده است. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۱، ص ۳۶۱) (براساس این حدیث شریف، هدایت يك انسان برتر از کره زمین است و اسلام برای فتح دل‌ها و سعادت انسان‌ها آمده است نه گرفتن سرزمین‌ها و سلطه بر کره زمین!)

۶. نبرد با استکبار و حمایت از مستضعفان جهان

رویارویی با مستکبران و طاغوت‌ها و مستبدان و سلطه‌گران در جهان و حمایت از مستضعفان جهان از اصول تفکر بیداری اسلامی است. این اصل در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از جایگاه و اعتبار ویژه‌ای برخوردار می‌باشد. در مقدمه قانون اساسی در عنوان شیوه حکومت در اسلام چنین آمده است: قانون اساسی با توجه به محتوای اسلامی انقلاب ایران که حرکتی برای پیروزی تمامی مستضعفین بر مستکبرین بود زمینه تداوم این انقلاب را در داخل و خارج کشور فراهم می‌کند به ویژه در گسترش روابط بین‌المللی با دیگر جنبش‌های اسلامی و مردمی می‌کوشد تا راه تشکیل امت واحده جهانی را هموار کند و استمرار مبارزه در نجات ملل محروم و تحت ستم در تمامی جهان قوام یابد. در پایان مقدمه نیز می‌نویسد: به این امید که این قرن، قرن حکومت جهانی مستضعفین و شکست تمامی مستکبرین گردد. در اصل سوم وظایف الزامی دولت جمهوری اسلامی ترسیم شده است که باید همه امکانات خویش را در جهت ایفای وظایف خاص به کار برد و در محور شانزدهم این وظایف نیز «حمایت بی‌دریغ از مستضعفان جهان» مورد تأکید قرار گرفته است. در اصول سیاست خارجی نیز در اصل یکصد و پنجاه و چهارم نوشته است: جمهوری اسلامی ایران... از مبارزه حق طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند. در بیا قرآن ابلیس پیشگام در استکبار و رهبر مستکبران جهان است (ص ۷۴). طاغوت‌ها مظهر و مصداق مستکبران‌اند و نبرد با ابلیس و شیاطین و مستکبران و طاغوت‌های جهان، رسالت مسلمانان در بیداری اسلامی است.

کفر به طاغوت (بقره/ ۲۵۶ و نساء/ ۶۰) و اجتناب از طاغوت (زمر/ ۱۷) از وظایف مسلمانان است و پیامبران برانگیخته شده‌اند تا مردم را به عبادت خدا و اجتناب و دوری از طاغوت و نبرد با مستکبران فراخوانند (نحل، آیه ۳۶). امام علی علیه السلام فرموده‌اند: از کبر بپرهیز که سر طغیان و سرکشی و نافرمانی رحمان و پروردگار مهربان است. (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ج ۲ ص ۲۷۹) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرموده‌اند: منفورترین مردمان، شخص متکبر است (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۳، ص ۲۳۱). استضعاف در مقابل استکبار قرار دارد و در ضعف در نفس و بدن و حال جاری است (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴، ص ۲۹۵، ۲۵۶). مستضعف انسانی است که بر اثر ظلم و تبعیض و فساد و اسراف و اتراف و غصب و حق‌کشی و استکبار ضعیف شمرده شده است. او توانایی و استعداد رشد و تکامل دارد ولی نظام استکباری و طاغوتی و فرعونیان نگذاشته‌اند استعدادهای او شکوفا گردد. به حکم قرآن، نبرد و قتال در راه حمایت از مستضعفین و یاری آنان ضرورت دارد. خدای متعال در این باره می‌فرماید: چرا در راه خدا و در راه مردان و زنان و کودکانی که به دست ستمگران مستضعف گردیده و تضعیف شده‌اند نبرد و پیکار نمی‌کنید؟ همان افراد ستم‌دیده‌ای که می‌گویند: پروردگارا ما را از این شهر که اهلش ستم‌گرند بیرون ببر! و از طرف خود، برای ما سرپرستی قرار ده! و از جانب خود یار و یاور برای ما تعیین فرما! (نساء/ ۷۵) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند: آیا شما را از بدترین بندگان خدا آگاه نسازم؟ درشتخوی متکبر، آیا شما را از بهترین بندگان خدا آگاه نسازم؟ ناتوان مستضعف! (متقی هندی، ۱۴۱۹، ج ۳ ص ۶۶). پیامبر خدا در حدیث نبوی دیگر، مستکبران را اهل آتش جهنم و مستضعفان را اهل بهشت و پادشاهان بهشت نامیده‌اند (همان).

۷. شوری و مشارکت سیاسی و استبدادستیزی

براساس آیات قرآنی مشورت يك اصل اسلامی است و رهبران امت اسلامی و مدیران و مردم باید برای زندگی سالم و تکامل و اداره امور کشور با هم مشورت کنند. در سیره پیامبر و امامان نیز مشورت وجود داشته است و مسلمانان نیز به مشورت امر شده‌اند. امام علی علیه السلام فرموده‌اند: طلب مشورت راهیابی است و کسی که به رأی و نظر خویش اکتفا کند خود را به خطر افکنده است. (نهج البلاغه، حکمت ۲۱۱ و مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۵: ۱۰۴ و حرعاملی، ۱۴۰۳، ج ۸: ۴۲۸). در حدیث علوی دیگر آمده است: هیچ پشتیبانی چون مشاوره نیست.

(نهج البلاغه، حکمت ۵۴ و مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۵، ص ۱۰۴ و حرعاملی، ۱۴۰۳، ج ۸، ص ۲۲۵). «استبداد» و «مشورت» در مقابل هم‌اند. استبدادستیزی نیز یک اصل اسلامی، قرآنی و حدیثی است. امیر مؤمنان امام علی علیه‌السلام فرموده‌اند: استبداد رأی تو را می‌لغزاند و تو را در پرتگاه‌ها می‌افکند. (متقی هندی، ۱۴۱۹، ج ۱ ص ۳۹۰). هر کس استبداد رأی داشته باشد هلاک و نابود شود و هر کس با مردان مشورت کند در خردهاشان شریک گشته است. (نهج البلاغه، حکمت ۱۶۱). در حقوق اساسی ایران درون قانون اساسی بر مشارکت سیاسی و مشورت و توسعه سیاسی تأکید شده است و زمینه‌ها و راهبردها و فرصت‌ها و نهادهای مشارکت سیاسی درون قانون و نظام حقوقی قرار گرفته است. در مقدمه قانون اساسی چهار مرتبه واژه مشارکت آمده‌است مشارکت فعالانه مردم در سقوط رژیم استبدادی یادآوری شده و قانون اساسی زمینه‌ساز مشارکت مردم در تمام مراحل تصمیم‌گیری‌های سیاسی و سرنوشت‌ساز برای همه افراد و اجتماع معرفی گردیده و امت مسلمان به مشارکت در انتخاب مسئولان کاردان و مومن و نظارت مستمر بر کار آنان و فعالیت در ساختن جامعه اسلامی فراخوانده شده‌اند. در اصل سوم از وظایف دولت جمهوری اسلامی، که باید همه امکانات خود را برای آن‌ها به کار ببرد در محور ششم محو هر گونه استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی و در محور هفتم تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون و در محور هشتم نیز مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی خویش تعیین گردیده است. در اصل هفتم می‌گوید: طبق دستور قرآن کریم و امرهم شوری بینهم (شوری، آیه ۳۸) و شاورهم فی الامر (آل عمران، آیه ۱۵۹) شوراها، مجلس شورای اسلامی شورای استان، شهرستان، شهر، محل، بخش، روستا و نظائر اینها از ارکان تصمیم‌گیری و اداره امور کشورند. در اصل هشتم امر به معروف و نهی از منکر را وظیفه همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت می‌شمارد. در اصل یکصد و بیست و دوم در سوگندنامه رئیس‌جمهور چنین نوشته شده است: خود را وقف خدمت به مردم و اعتلای کشور، ترویج دین و اخلاق، پشتیبانی از حق و گسترش عدالت‌سازم و از هر گونه خودکامگی بپرهیزم و از آزادی و حرمت اشخاص و حقوقی که قانون اساسی برای ملت شناخته است حمایت کنم. ارکان نظام با رأی و مشورت مردم شکل می‌گیرد و تعیین رهبر به عهده خبرگان منتخب مردم است (اصل ۱۰۷) و اعمال قوه مقننه از طریق مجلس شورای اسلامی است که از نمایندگان منتخب مردم تشکیل می‌شود (اصل ۵۸) و

در اعمال قوه مجریه نیز با انتخاب مستقیم رئیس جمهور (اصل ۶۰) و گزینش غیر مستقیم وزرا (اصل ۱۱۴ و ۱۳۳) نقش سرنوشت ساز دارند.

۸. تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان و دفاع از حقوق همه مسلمانان

در اصل سوم دولت جمهوری اسلامی ایران موظف گردیده همه امکانات خود را در امور معین به کار برد در محور پانزدهم توسعه و تحکیم برادری اسلامی و در محور شانزدهم نیز تنظیم سیاست خارجی براساس معیارهای اسلام و تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان، به عنوان وظیفه رسمی و قانونی دولت مشخص شده است. در اصل یازدهم دولت جمهوری اسلامی موظف شده است سیاست کلی خود را بر پایه ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی قرار دهد و کوشش پی گیر به عمل آورد تا وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام تحقق یابد. در فصل دهم اصول سیاست خارجی در اصل یکصد و پنجاه و دوم نیز یکی از ارکان سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران «دفاع از حقوق همه مسلمانان» تعیین گردیده است. حقوقدانان و قانون گذاران در مجلس خبرگان قانون اساسی، آگاهانه واژه «همه» را در اصول کلی و سیاست خارجی نوشته اند و تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان و دفاع از حقوق همه مسلمانان را وظیفه الزامی دولت اسلامی ایران شمرده اند. حقوق متقابل مسلمانان براساس قرآن و سنت زیر بنا و سند شرعی این اصل مهم در بیداری اسلامی است. سکونی گفته است امام صادق علیه السلام فرمود رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرموده اند: هر که روز خود را آغاز کند و به امور مسلمانان اهتمام نرزد مسلمان نیست. (کلینی رازی، ۱۴۰۱، ج ۲: ۱۶۳). نعمان بن بشیر گفته است رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: مومنان در دوستی، عطف و مهرورزی نسبت به هم چونان یک پیکرند که هر گاه عضوی از آن به درد آید دیگر اعضا را بیخوابی و تب فرا گیرد. (احمد بن حنبل، ج ۶، ص ۳۷۹ و ۱۴۱۹، متقی هندی، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۸۸). امام صادق علیه السلام به ابن ابی یعفور فرمودند که رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: مسلمان برای برادرش آنچه را برای عزیزترین اهل بیت خود دوست دارد دوست می دارد و زشت و بد می شمارد برای برادر مسلمانش آنچه را که برای عزیزترین اهل بیتش زشت می داند. (کلینی رازی، ۱۴۰۱، ج ۲: ۷۲). باید پیوند و ارتباط مسلمانان در سراسر جهان با هم، آن چنان مستحکم و نیرومند و پایدار شود که حقوق متقابل و همگانی مسلمانی را در باره هم رعایت کنند.

۹. عدالت‌طلبی و ظلم‌ستیزی

نبرد با ظلم و ستیز با ظالمان و حرکت و نشاط در ترویج و برپایی و گسترش عدالت در کشورهای اسلامی و سراسر جهان از اصول بیداری اسلامی و اهداف متفکران مسلمان و حقوقدانان مؤمن است. در عنوان شیوه حکومت در اسلام در مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، استمرار و قوام مبارزه در راه نجات ملل محروم و تحت ستم در تمامی جهان در رسالت و اهداف قانون اساسی قرار گرفته است. رهبر و رئیس قوه قضائیه و رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل باید مجتهد عادل باشند (اصول، ۱۰۹، ۱۵۷ و ۱۶۲). در اصل دوم، جمهوری اسلامی نظامی در پایه ایمان به عدل خدا در خلقت و تشریح شناخته شده است که از راه نفی هر گونه ستمگری و ستم‌کشی و سلطه‌گری و سلطه‌پذیری، قسط و عدل را تأمین می‌کند. در اصل سوم دولت جمهوری اسلامی موظف گردیده است تمام امکانات خود را برای رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمام زمینه‌های مادی و معنوی فراهم سازد. و در اصل چهاردهم موظف شده است با افراد غیرمسلمان با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی عمل نمایند. در اصل شصت و یکم و یکصد و پنجاه و ششم وظیفه قوه قضائیه، حفظ حقوق عمومی و گسترش و اجرای عدالت و اقامه حدود الهی قرار گرفته است. اصل یکصد و چهارم بر تشکیل شوراهای واحدهای تولیدی صنعتی و کشاورزی به منظور تأمین قسط اسلامی تأکید دارد. به حکم سوگندنامه مشخص شده در اصل یکصد و بیست و یکم، رئیس جمهور باید سوگند بخورد همه استعداد و صلاحیت خویش را در راه ایفای مسئولیت‌هایش به کار گیرد و خود را وقف گسترش عدالت سازد. در اصل یکصد و پنجاه و ششم نیز گسترش عدل از وظایف قوه قضائیه تعیین شده است.

۱۰ - نه شرقی و نه غربی، استقلال و رهایی از سلطه و وابستگی به بیگانگان

نفی سلطه و نفوذ بیگانگان و کافران بر سرنواشت مسلمانان و حکومت و حاکمان و دانشمندان کشورهای اسلامی و تلاش برای رسیدن به عزت و اقتدار و استقلال جامعه اسلامی به تدریج جای خود را در اصول تفکر بیداری اسلامی پیدا کرده است. مسلمانان در عصر نهضت بیداری اسلامی با گسترش تفکر امام خمینی در جهان اسلام و طرح شعار استراتژیک نه شرقی و نه غربی و نام‌گذاری آمریکا سرکرده استکبار جهانی به شیطان بزرگ (صحیفه نور، ج: ۱، ۱۳۹ و ۱۴۰ و

۱۴۱) در طریق استقلال و رهایی از سلطه و وابستگی به شرق و غرب قرار گرفتند. استقلال طلبی از اصول و اهداف بیداری اسلامی است و این اصل بر قرآن و سنت نبوی و اهل بیت استوار می‌باشد. قاعده نفی سبیل کافرین بر مسلمین يك قاعده پایدار قرآنی است. قرآن تصریح می‌کند: خداوند هرگز کافران را بر مؤمنان تسلطی نداده است و راهی برای سلطه کافران بر مؤمنان نگشوده است. (نساء/ ۴۱). براساس این آیه هر گونه وابستگی به کافران و پذیرش سلطه آنان و نفوذ کافران بر سرنوشت مسلمانان نفی و تحریم گردیده است. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم، درباره اعتلای اسلام و اقتدار مسلمانان و استقلال جامعه اسلامی فرموده‌اند: اسلام برتر است و علو دارد و چیزی بر آن برتری نیابد. (صدوق، بی تا، ج ۴، ص ۳۳۴ و متقی هندی، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۵۴). امام علی علیه السلام فرموده‌اند: هیچ شرافتی بالاتر از اسلام نیست. (نهج البلاغه، حکمت ۳۷۱). در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران استقلال طلبی و نفی استکبار شرق و غرب و سلطه بیگانگان بر کشورهای اسلامی، حاکم است. در مقدمه «عنوان طلیعه نهضت» شعار الله اکبر و در عنوان «بهایی که ملت پرداخت» شعار استقلال، آزادی، حکومت اسلامی آمده است و شکستن سلطه خارجی در ایران در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ و استقلال فکری و رهایی از آمیزه‌های فکری بیگانه و رهایی از استعمار همه جانبه خارجی و سلطه استکبار جهانی را از آرمان‌ها و دستاوردهای انقلاب اسلامی می‌دانند. در اصل دوم نفی هر گونه سلطه‌گری و سلطه‌پذیری به تصویب ملت رسیده است. در اصل سوم دولت جمهوری اسلامی موظف به طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب و مکلف به حفظ استقلال گردیده است. در اصل یکصد و پنجاه و دوم حفظ استقلال همه جانبه را از اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران قرار داده است و اصل یکصد و پنجاه و چهارم استقلال را حق همه مردم جهان اعلام کرده است و در اصول متعدد به صراحت راه سلطه بیگانه بر کشور بسته شده است (۸۱ و ۱۴۵ و ۱۴۶ و ۱۵۳).

۱۱. اجتهاد فقیهان عادل

اجتهاد در عصر حیات پیامبر و ائمه معصومین علیهم السلام وجود داشته است و اهل بیت به اصحاب آموزش اجتهاد می‌داده‌اند (رک: جواهری، ۱۱۹: ۱۳۸۷ تا ۳۱۵). اجتهاد در مفهوم صحیح آن که تفریع بر اصول است (امام خمینی، الرسائل، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۱۲۵) و استنباط احکام شرعی براساس کتاب و سنت می‌باشد يك اصل قرآنی و دینی است. احیای اصل اجتهاد

و افتای براساس وحی الهی و احادیث و سنت معتبر نبوی و اهل بیت، راهگشای حرکت اصلاحی در بیداری اسلامی و موتور پیشرفت و ترقی و بن‌بست‌شکنی و پاسخگویی جهانی است. اکنون رویکرد به سوی افتتاح باب اجتهاد سالم و پاک از انحراف از اصول تفکر بیداری اسلامی در جهان اهل سنت است. این اصل دینی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران وارد شده و به تصویب ملت مسلمان ایران رسیده و قانون الزامی شده است. براساس اصل دوم قانون اساسی، جمهوری اسلامی ایران نظامی بر پایه ایمان به خدا و وحی و معاد و عدل الهی و امامت است که بر «اجتهاد مستمر فقهای جامع الشرایط براساس کتاب و سنت معصومین سلام‌الله‌علیهم اجمعین» تأکید دارد. به حکم قانون اساسی رهبری و رئیس قوه قضائیه و رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل بایستی مجتهد عادل باشند (اصل ۵ و ۱۰۹ و ۱۵۷ و ۱۶۲). خبرگان عضو مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در موضوع اجتهاد پیشنهادهای متعددی داشته‌اند پس از بررسی و تحلیل آن‌ها جمله مذکور در اصول کلی قانون اساسی قرار گرفته است. کلمه «مستمر» در این جمله بیانگر استعداد و امکان ابدی اجتهاد و اهمیت آن است و کلمات «فقهای جامع الشرایط» روشنگر شیوه و روش اجتهاد و تخصص و صلاحیت‌های لازم برای اجتهاد و افتاء است و عبارت «براساس کتاب و سنت» نیز مبانی و منابع اصلی اجتهاد را آشکار می‌سازد. برخی از خبرگان واژه‌ها و کلمات زنده و پویا و انقلابی و صحیح و حق را در وصف اجتهاد پیشنهاد کرده‌اند ولی جمله‌ای که سرانجام به تصویب رسیده است، درون خویش همین امتیازات را دارد و اجتهاد صحیح را که همان اجتهاد فقیه عادل براساس کتاب و سنت است قانونی و الزامی نموده است، این اصل با شصت رأی موافق از شصت و پنج نفر حاضر تصویب شده است. (رک: صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی اعضای قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ج ۱: ۲۰۶ تا ۲۷۱). نقش اجتهاد امام خمینی در قانون اساسی را رابرت ال مدکس در کتاب قوانین اساسی کشورهای جهان بررسی قوانین اساسی هشتاد کشور، اینگونه بیان می‌کند: پس از ۲۵۰۰ سال حکومت شاهنشاهی در سال ۱۹۷۹ حکومت ایران تحت راهبری آیت‌الله خمینی به جمهوری مبدل شد. آیت‌الله خمینی تا هنگام فوتش که ده سال بعد از این واقعه رخ داد، مرجع نهایی داوری در مورد قانون اساسی ایران بود (ال مدکس، ۱۲۳: ۱۳۸۵).

۱۲. تنظیم سیاست خارجی براساس ارزش‌های اسلامی

برای تنظیم سیاست خارجی براساس معیارهای اسلامی باید تلاش و کوشش بیشتری شود زیرا روابط و پیوند مسلمانان با هم در قلمرو دارالاسلام با مذاهب مختلف، و سلیقه‌های بی‌پایان، و کشورها و نژادهای گوناگون، و زبان‌های فراوان، و تعصب‌های جاهلانه و خودخواهی و خود صالح‌بینی، و مرزبندی‌های تحمیلی جغرافیایی، و گرایش‌های قوی نیرومند سیاسی ملی‌گرایی و وطن‌پرستی و میهن‌پرستی ملی (هابزبام، ۱۳۸۲: ۶۵) کاری سخت و پیچیده است و نیازمند آگاهی و معرفت و صداقت و ایثار و اخلاص و تقوی می‌باشد. کلیم صدیقی ناسیونالیسم را مانع اساسی تحول در امت اسلامی می‌داند (صدیقی، ۱۳۸۴: ۱۱۷ تا ۱۴۷). باید کشورهای اسلامی ضرورت رعایت معیارهای اسلامی در سیاست خارجی را درون قانون اساسی قرار داده و به تصویب رسانده و قانونی و الزامی نمایند تا دست دشمنان اسلام از سیاست خارجی آنان کوتاه گردد و ارزش‌های اسلامی بر آن حاکم گردد. در اصل سوم قانون اساسی «تنظیم سیاست خارجی کشور براساس معیارهای اسلام، و تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان و حمایت بی‌دریغ از مستضعفان جهان» در وظایف الزامی دولت قرار داده شده است. این اصل پاسخ‌گوی يك نیاز اساسی در بیداری اسلامی در کشورهای جهان است و می‌تواند الهام‌بخش متفکران مسلمان در سراسر جهان شود. آیین دیپلماسی و روابط بین‌المللی کشورهای اسلامی باید براساس قرآن و سیره و سنت نبوی و اهل بیت علیهم‌السلام استوار گردد و گفتار و رفتار سیاسی مسلمانان در سیاست خارجی نشان‌دهنده ارزش و احکام سیاسی اسلامی شود.

۱۳. عدم تعهد نسبت به قدرت‌های سلطه‌گر

تعهد به خدا و قرآن و سنت نبوی و اهل بیت و عدم تعهد نسبت به کافران و بیگانگان از اصول تفکر بیداری اسلامی است. گسترش جنبش عدم تعهد نسبت به استکبار شرق و غرب و ابرقدرت‌ها و تشکیل قدرت برتر اسلامی از اهداف بیداری اسلامی است که باید لوازم و شرایط آن در جهان اسلام فراهم گردد. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل سوم طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب وظیفه دولت شمرده شده و در اصل یازدهم تلاش در راه تشکیل امت واحده و اتحاد ملل اسلامی و تحقق وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام، سیاست کلی دولت اسلامی اعلام گردیده و در اصل یکصد و پنجاه و دوم نیز سیاست

خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر استوار شده است. این استراتژی باید در نظام حقوقی جهان اسلام و قوانین اساسی کشورهای اسلامی به تصویب همه مسلمانان برسد و عملی گردد.

۱۴. اعطای پناهندگی به پناهندگان سیاسی

امان دادن و پناه دادن سیاسی از اصول دیپلماسی اسلامی است. افراد و اشخاص مسلمان می‌توانند به دیگران پناه دهند و احترام به آن از سوی مسلمانان لازم است. اصل پناه‌جویی و پناه‌دهی با رعایت شرایط آن بسیار سودمند و راهگشاست. فرعونیان و پادشاهان فاسد، عزیزان را آزار و رنج داده و ذلیل می‌کنند. (نمل، آیه ۳۴) و پناهندگی راهی برای نجات مظلومان از شر ظالمان است. پناهندگان ستم‌دیده مسلمان و غیرمسلمان، سزاوار مهرورزی و پناه دادن اند. آیین پناهندگی دستاوردهای فراوان مثبت دارد، کمک و یاری محرومان و مظلومان و مغضوبان و محکومان دادگاه‌های غیراسلامی و ضد اسلامی و پیشگیری از ظلم و تبعیض و قتل بی‌گناهان از آن آثار است. دولت اسلامی می‌تواند به پناهندگان پناه دهد و در قانون اساسی ایران اصل یکصد و پنجاه و پنجم می‌گوید: دولت جمهوری اسلامی ایران می‌تواند به کسانی که پناهندگی سیاسی بخواهند پناه دهد مگر این که بر طبق قوانین ایران خائن و تبهکار شناخته شوند. در جریان درگیری‌های مومنان با حاکمان در بیداری اسلامی، کمک و یاری مظلومان از راه پناه‌دهی به سیاسیون پناه خواه سایر ملت‌ها، سبب حفظ جان مبارزان و نیروهای فداکار می‌گردد. در نبردهای جنبش‌های مردمی غیر مسلمان با حکومت‌هایشان نیز فرصت‌هایی پیش می‌آید که پناهجویانی غیر خائن و تبهکار بلکه خادم و امین از کشور پناه می‌خواهند و شایسته دادن پناهندگی سیاسی اند.

۱۵. خود داری از دخالت در امور داخلی

آگاهی و معرفت دینی و اخلاص و جهاد در راه خدا، سازنده بیداری اسلامی است. صدور اندیشه انقلاب اسلامی از اصول تفکر امام خمینی و نظریه حکیمانه ایشان است، اما راهبردهای صدور انقلاب در اندیشه سیاسی ایشان، همان راه‌های نفوذ در دل‌ها و دعوت و تبلیغ و هدایت سیاسی است. دخالت نظامی و جنگ و اقداماتی که احساسات ملت‌ها را جریحه دار و تحریک می‌کند

زمینه‌ساز صدور انقلاب نمی‌گردد. پیشرفت علمی و کارآمدی نظام و کارکردهای درخشان در حوزه‌های اقتصادی و فرهنگی و سیاسی و نظامی حکومت اسلامی در ایران الهام‌بخش بیداری اسلامی و صدور انقلاب اسلامی است. از این رو قانون اساسی جمهوری اسلامی در اصل یکصد و پنجاه و چهارم تاکید می‌کند: جمهوری اسلامی ایران ... در عین خودداری کامل از دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر از مبارزه حق طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند. کشورهای اسلامی باید روابط عالی اسلامی و تعهد برادرانه و خدمات متقابل و همکاری‌های گسترده در بیداری اسلامی و بر پایه حکومت اسلامی و احکام الهی داشته باشند و پویایی و سودمندی این تلاش‌ها معلول خودداری کامل از دخالت در امور داخلی یکدیگر است.

۱۶. روابط صلح‌آمیز با دول غیر محارب

کشورها و دولت‌های فاسد و ظالم و محارب با اسلام و مسلمین باید از سوی جریان بیداری اسلامی طرد شوند. مسلمانان در صدد قطع رابطه با آنان یا محدود نمودن رابطه به مرزهای اضطرار برآیند اما روابط صلح‌آمیز با دول غیر محارب از اصول بیداری اسلامی است. روابط صلح‌آمیز با بیگانگان همواره آثار بزرگی دارد. در همین روابط است که منطبق برتر اسلام و سودمندی و ارزشمندی احکام و قوانین شریعت الهی آشکار می‌گردد. بیگانگان با کتب و منابع مسلمانان آشنا می‌شوند و توطئه‌ها و تبلیغات ضد اسلامی و اسلام‌هراسی خنثی خواهد شد. در اصل چهاردهم قانون اساسی چنین آمده است: به حکم آیه شریفه "لاینها کم الله عن الذین لم یقاتلوکم فی الدین و لم یخرجوکم من دیارکم ان تبروهم و تقسطوا الیهم ان الله یحب المقسطین" (ممتحنه/ ۸) دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان موظفند نسبت به افراد غیر مسلمان با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی عمل نمایند و حقوق انسانی آنان را رعایت کنند. این اصل در حق کسانی اعتبار دارد که بر ضد اسلام و جمهوری اسلامی ایران توطئه و اقدام نکنند. اصل یکصد و پنجاه و دوم نیز سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را بر روابط صلح‌آمیز با دول غیر محارب استوار می‌دارد. مسلمانان باید در عهد و پیمان‌های خویش با دول غیر محارب وفادار باشند و با اخلاق زیبا آنان را به سوی تفکر دینی جذب کنند. روابط صلح‌آمیز با دول غیر محارب و پای‌بندی تعهدات متقابل براساس موازین اسلامی مجاز و سودمند است.

نتایج

با بررسی و تحلیل قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران روشن شد بر سراسر مقدمه و فصول و اصول قانون اساسی، اصول تفکر بیداری حاکم است. قانون اساسی ایران یک قانون جدید و ابتکاری در جهان اسلام و مولود تفکر بیداری اسلامی است. زیرا قانون اساسی با ساختار و هویت قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در جهان اسلام سابقه و پیشینه نداشت. اندیشه سیاسی امام خمینی و تفکر اجتهادی دینی ایشان سازنده روح قانون اساسی ایران است. امام خمینی با تعهد کامل به منابع اصیل دین اسلام: قرآن و سنت، رهبری نهضت بیداری اسلامی نوین در تاریخ سیاسی معاصر جهان را به عهده داشت و منشاء بازگشت به خویش در جهان اسلام و باعث بیداری اسلامی و تحولات بنیادین سیاسی و اجتماعی گسترده در ایران و جهان شد. همه اصول تفکر اسلامی و فصل‌ها و شاخصه‌های ممتاز آن، در متن قانون اساسی ایران تدوین و به تصویب امام و امت رسید. بنابراین کتابچه قانون اساسی ایران مانیفست بیداری اسلامی و کتاب راهنمای متفکران مسلمانان در جهان است. تدوین نخستین قانون اساسی اسلامی در جهان و تجربه موفق و نوین تصنیف قانون اساسی، باعث خودباوری و انگیزش در مسلمانان شد و به آنان روحیه و امیدواری داد و راه تشکیل حقوق سیاسی، حقوق اساسی و تنظیم قانون اساسی بر اساس دین اسلام را گشود. تمام شاخصه‌ها و ارزش‌های مقدس بیداری اسلامی در قانون اساسی ایران استقرار یافت و میثاق ملی گردید. این قانون ظرفیت و توانایی الگو برداری در جهان اسلام را داراست. ملت و دولت و مجلس و قوه قضایه بر اساس قانون اساسی، وظایف قانونی و رسمی دارند. این تکلیف قانونی، موجبات صدور تفکر انقلاب اسلامی ایران و شکل‌گیری بیداری اسلامی در قرن بیست و یکم گردید. این پژوهش نشان داد اصول تفکر بیداری اسلامی، ریشه در دو منبع اصلی استنباط احکام اسلامی دارد و کاملاً مستند به آیات قرآنی و سنت پیامبر و اهل بیت علیهم السلام است. اصول تفکر بیداری اسلامی که در قانون اساسی ایران وجود دارد به دلیل مبانی محکم دینی و استواری آن بر دو پایه قرآن و حدیث که بخشی از آن‌ها در تحلیل همین اصول در این پژوهش آمد، هم عامل گرایش عمیق ملت ایران و دلبستگی آنان به قانون و اجرای آن است و هم ظرفیت جذب متفکران مؤمن در بیداری اسلامی را دارا می‌باشد. اخبار و گزارش‌های جریان بیداری اسلامی، حاکی از الگو برداری جهان اسلام از قانون اساسی ایران و نقش این قانون در تحولات سودمند در حقوق اساسی و حقوق سیاسی در

قوانین اساسی معطوف به بیداری اسلام است. دولت و ملت ایران، بایستی اقدامات لازم جهت عمل به اصول سیاست خارجی و وظایف دینی و قانونی خویش انجام دهند و این مایه تقویت و توسعه بیداری اسلامی است. شناساندن قانون اساسی ایران به جهان اسلام، وظیفه عمومی دولت و ملت است و دانشمندان و متفکران دانشگاهی و حوزوی، بیش از پیش باید در توصیف و تبیین و تحلیل حقوق اساسی و قانون اساسی منبث از انقلاب اسلامی ایران به جهانیان اقدام کنند و رهبران و متفکران بیداری اسلامی در جهان نیز باید برای تامین نیازهای حقوقی خویش از حقوق و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بهره‌برداری نمایند.

- قرآن کریم
- نهج البلاغه

۱. ال مدکس، رابرت، قوانین اساسی کشورهای جهان (بررسی قوانین اساسی هشتاد کشور)، ترجمه مقداد ترابی، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش حقوقی شهر دانش، ۱۳۸۵.
۲. احمد بن فارس بن زکریا، ابوالحسن، ترتیب مقایس اللغه، قم، پژوهشگاه، حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۷.
۳. امام خمینی، صحیفه نور، تهران، مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی و وزارت ارشاد اسلامی و سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۱.
۴. امام خمینی، الرسائل، قم مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۳۸۵.
۵. ایزدی، بیژن، درآمدی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۱۳۷۷.
۶. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غررالحکم و دررالکلم، ترجمه و شرح جمال الدین محمد خوانساری ارموی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۶.
۷. جواهری، محمدرضا، اجتهاد در عصر ائمه معصومین علیهم السلام، قم، بوستان کتاب دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۱۳۸۷.
۸. حر عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعه، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳.
۹. راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد بن مفضل، المفردات فن غریب القرآن، تهران، دفتر نشر کتاب، ۱۴۰۴.
۱۰. شیخ صدوق، ابو جعفر محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه، بی تا.
۱۱. شیبانی، احمد بن حنبل، مسند احمد بن حنبل، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۵.
۱۲. صدیقی، کلیم، مسائل نهضت های اسلامی، ترجمه سید هادی خسرو شاهی، تهران، اطلاعات، ۱۳۷۵.

۱۳. صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهائی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۴.
۱۴. طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرین، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸.
۱۵. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مشهد، به نشر، چاپ سوم، ۱۳۸۰.
۱۶. کلینی رازی، ابوجعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی، بیروت، دارصعب و دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۰۱.
۱۷. گیدنز، آتونی، جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری کاشانی، تهران، نشرنی، ۱۳۷۴.
۱۸. لاریجانی، محمدجواد، مقولاتی در استراتژی ملی، تهران، ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۹.
۱۹. المتقی بن حسام الدین هندی، علاء الدین علی، کنز العمال، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۹.
۲۰. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، موسسه الوفاء، ۱۰۴۳.
۲۱. هابزبام، ای. جی، ملت و ملی‌گرایی پس از ۱۷۸۰، ترجمه جمشید احمدپور، مشهد، نیکا، ۱۳۸۲.